

واکاوی دستورالعمل میرزا باقر منشی (نسخه خطی بی نظیر در علم الانشاء دوره صفویه)

دکتر مزگان اسماعیلی

عضو هیات علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

esmailimojgan@yahoo.com

چکیده

مجموعه منشآت اثری است آموزشی که چگونگی نامه نگاری در سطوح مختلف و نیز ادبیات نگارش را در دوره صفویه آموزش می دهد. این کتاب با نظر به انشاء و طرز نامه نگاری و برای آموزش انشاء و فن دبیری تدوین شده استو از این جهت که اثری است درسی و آموزشی منحصر به فرد می باشد.

در این کتاب به همه ی آنچه که برای نگارش نامه ها به لحاظ محتوایی و صوری مورد نیاز است گریزی زده شده استو نکاتی را یادآور شده است که بیشتر آموزش محتوایی، کاربرد مفاهیم و البته تا حدودی شکل نگارش و جنبه های صوری است. بخش قابل توجهی از کتاب مربوط به دانش و فن بلاغت و اصطلاحات خاص آن است البته به مقداری که در آیین نگارش انشا به کار می آید.

این اثر توسط محمد باقر منشی دوره شاه سلیمان نگاشته شده اما تاکنون مولف این اثر را ناشناس معرفی کرده اند. این کتاب به جز موضوع اصلی آن که علم الانشاء است و درضمن آن بسیاری از مباحث بلاغت، بیان و بدیع را هم آورده، فواید ادبی حاشیه ای فراوانی دارد. که از آن جمله نقل اشعار فراوانی از شعرای مختلف قدما و اندکی هم از معاصران است. سبک نگارش کتاب متنوع است. دراین کتاب سه شیوه ی ساده، بینابین و مصنوع دیده می شود. اما تکیه بیشتر بر مصنوع نویسی است.

واژگان کلیدی: منشآت، صفویه، تصحیح، سبک شناسی، مکاتیب

مقدمه

کلمه ی «منشا» واژه ای عربی است به معنی نوشته های منشیه و مترسلانه و نیز به معنای صرف تصنیفات، تحریرات، مراسلات، مکاتبات، مکتوبات و نامه ها.

در حقیقت منشآت محصول فنی است که در گذشته از آن به ترسل و امروزه از آن به نامه نگاری اعم از دیوانی و دوستانه یاد میشود. (افشار، ۱۳۳۱: ۶۴۱)

احمد منزوی تفاوتیابی میان رقع، نامه، مکتوب و منشآت قائل است. (منزوی، ۱۳۶۵: ۵۸۱)

اما این تفاوتها از سوی غالب نویسندگان و مولفان گاه چندان رعایت نمی شده است چنانکه تسامح آنها موجب گردیده است که به یک فرمان و دستور کتبی پادشاه در زمان واحد گاهی فرمان، زمانی مثال، هنگامی منشور و در جایی دیگر یرلیغ، حکم و رقم گفته اند؛ یا توقیع و طغرا را گاه مغایر و زمانی معادل یکدیگر می شناخته اند. حال آنکه هر یک از این اصطلاحات برای مورد خاص بوده و با اصطلاح دیگر تفاوت هایی داشته است. (قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۳)

مثلا واژه ی منشآت اینچنین تعریف شده است؛ مجموعه نامه های دیوانی یا دوستانه که منشی ای دیوانی یا نویسنده ای غیر دیوانی نوشته باشد بنا بر این تعریف منابع ادبی و تاریخی که متضمن نوشته ها و تحریراتی از سنخ نامه ها هستند در ذیل منشآت آورده می شوند.

بنابراینچه گفته شد می توان با اندک تسامحی مجموعه های منشآت را به دسته های زیر تقسیم کرد:

منشآت که جنبه های ادبی و زبان شناختی آنها بر جنبه های دیگر برتری دارد

منشآت که از لحاظ فن کتابت و روش نویسندگی فراهم شده اند

نامه ها و مکاتیبی که واجد جنبه های عرفانی و عقیدتی اند

مجموعه اسناد یا مکاتبات تاریخی

مجموعه نامه ها که در زمره دیوانیات و اخوانیات هستند.

ترسل و تاریخچه آن

ترسل از جمله نثر پارسی است که در ایران پیش از اسلام با شرایط فنی خاص رواج داشته است و پس از ظهور اسلام نیز مقام و موقعیت خود را در برابر انواع دیگر نثر حفظ کرده است.

منظور از ترسل، مجموعه نامه ها و مکاتیبی است که سلطان و درباریان و طبقات مختلف اجتماع با عناوین مختلف به یکدیگر می نوشته اند. برای آشنایی با چگونگی ترسل در ایران پیش از اسلام باید به قدیم ترین آثار باقی مانده از این نوع نثر اشاره کرد که متعلق به دوره ساسانی است که از آن جمله: عهد اردشیر و عهد شاپور بن اردشیر و مکتوب اردشیر که خطاب به وزیران خود در شرایط ملک داری و وزارت و کار راندنو سیاست کردن گفته است و قسمتی از مکتوب اردشیر بابکان خطاب به رعایا و مکتوب انوشیروان به بزرگمهر و پاسخ بزرگمهر به انوشیروان و قسمتی از نامه شاپور اول و فتح نامه بهرام گور و مکتوب انوشیروان به فاذوسبان آذربایجان و عهد قباد به خسرو انوشیروان و نامه پرویز به شیرویه و پاسخ او و قسمتی از نامه جاماسب به گشتاسب در منع او از پذیرش دین زرتشت که در یادگار زیران نقل شده است (خطیبی، ۱۳۸۶: ۲۸۶) با بررسی آثار موجود از دوره ساسانی می توان دریافت که در ایران پیش از اسلام ترسلات و مکاتیب کم و بیش به همان شیوه نثر عربی نوشته می شده است. انواع ترسلات در ایران پیش از اسلام شامل: اصدار مناشیر، فتح نامه ها، عهد نامه ها، سوگند نامه ها، سلطانیات و اخوانیات بود. (همان، ۲۹۱)

از آغاز تشکیل دولت های ایرانی تا اوایل قرن پنجم دیوان رسالت سلاطین ایرانی به زبان عربی بود و این وضع تا دوره ی ابوالعباس فضل ابن عباس اسفراینی نخستین صاحب دیوان بزرگ محمد غزنوی ادامه داشت. و در دوره این وزیر، دیوان از عربی به فارسی برگردانده شد ولی متأسفانه پس از چند سالی در دوره وزارت خواجه احمد حسن میمندی دیوان دوباره از پارسی به عربی بازگشت. با این وجود در دوران سلطنت مسعود، زبان پارسی نیز در دیوان دوشادوش زبان عربی به کار می رفت. (همان، ۳۱۵)

از قدیمترین نمونه مکاتیب دیوانی به زبان پارسی مربوط به نیمه ی اول قرن پنجم زمان سلطنت مسعود غزنوی است. از جمله چند مکتوب از ابو نصر مشکان و حاجب بزرگ علی قریب به امیر مسعود و پاسخ امیر مسعود به او و فتح نامه ای به انشاء ابونصر و شکست نامه ای به انشاء ابوالفضل بیهقی در دست است.

اهمیت کتاب

از جمله منابعی که در مطالعه و پژوهش تاریخ به کار برده می شود خاطرات، نامه ها، منشآت، شرح حال ها و وقایع نگاری ها هستند که از سوی افراد و شخصیت های سیاسی یا به دستور آنها به رشته ی تحریر در آمده است. با بررسی و مطالعه ی منشآت صفویه به طرز مکاتبات سیاسی، اجتماعی، اداری و شیوه ی نگارش دوره ی صفویه می توان پی برد. اگرچه این کتاب به جزئیات اداری نمی پردازد اما مطالب تاریخی و ادبی ارزشمندی در اختیار پژوهشگران می گذارد که بسیار ارزنده است و معرف سبک ادبی دوره صفویه می باشد.

منشآت صفویه در بردارنده ی نامه هایی است که نویسنده در باب موضوعات مختلف نوشته است. برخی از نامه ها دوستانه برخی دیگر نامه های دولتی و یا نامه هایی است که به امرای وقت و امیرزادگان و... نوشته شده است که اطلاعات در خوری درباره ی القاب و مواجب و تشکیلات دیوانی صفویان ارائه می دهد.

همچنین نامه ها و مکاتبات دیوانی و درباری این کتاب به جهت احتوا بر واژه ها و اصطلاحات مربوط به تشکیلات کشوری و لشکری ماخذ بسیار مفیدی برای آگاهی از اوضاع اداری و دیوانسالاری و نیز اطلاع از اصطلاحات دیوانی، اداری و دیپلماسی دوره ی صفویه است.

احاطه محمد باقر به ادبیات فارسی و عربی این کتاب را در ردیف آثاری چون بهارستان جامی، و صاف الحضرة عبدالله بن فضل الله شیرازی، درّه نادره میرزا مهدی خان استرآبادی قرار داده است.

این کتاب از هر دو حیث ادبی و تاریخی واجد اهمیت بسیار است. از جهت ادبی برای کسانی که بخواهند در رشته ی سبک شناسی نثر فارسی تحقیق و تتبع کنند، با توجه به اینکه اینگونه آثار در ادب فارسی کمیاب و نادرالوجوداند، بسیار مغتنم و سودمند و قابل استفاده است. علاوه بر این، کتاب به ویژه از این حیث که مربوط به دوره ی صفویه است از جهت تاریخی حاوی آگاهی های ارزشمندی است. زیرا از مناسیر و دستور العمل ها و نامه هایی که به شخصیت های علمی و ادبی و یا مقامات و مناصب مختلف کشوری و لشکری نوشته شده است، بسیاری از مطالب مبهم را بر ما روشن و معلوم می کند.

همچنین از مجموعه ی منشآت دوره صفویه در تحقیقات زبان شناسی و نیز بحث در تاریخ تطور زبان فارسی می توان بهره های فراوان برد. به ویژه آنکه این کتاب با نظر به انشاء و طرز نامه نگاری و برای آموزش انشاء و فن دبیری تدوین شده است.

ماهیت کتاب

مجموعه منشآت در دو بخش تنظیم و تدوین شده است. بخش اول شامل یازده باب است و بخش دوم کتاب که مربوط به فنون بلاغت و صنایع ادبی می باشد به دو باب تقسیم شده است. در کل این مجموعه در سیزده باب نگاشته شده است که بیشتر باب های آن به فنون ترسل و انشاء از دیدگاه ادبی اختصاص دارد و برخی از باب ها به استیفاء و شیوه ی نگارش اسناد و فرامین دولتی و اداری پرداخته است. در باب اول و دوم به شیوه ی نگارش اسناد حکومتی و همچنین منشورها و احکام (نشان، پروانچه، رقم) و با توجه به اینکه هر کدام از این سندها دارای مهر ویژه ای بوده به نوع مهر و همچنین به جایگاه الصاق آن اشاره شده است. دیگر باب های کتاب اهمیت باب های پیشین را ندارد. برای نمونه در باب یازدهم به «مضافات القابیه و لایات و مضافات اعداد و اجناس و غیره» اختصاص یافته است و در مضافات القابیه شهر ها اشاره شده که چه واژه یا ترکیبی به نام فلان شهر اضافه می شود مثلا: دارالعلم شیراز، دارالامان کرمان، دارالمومنین قم و کاشان، دارالعباد یزد، دارالارشاد اردبیل، دارالسلطنت اصفهان و... همچنین در این بخش به واحد شمارش اجناس اشاره شده است. مثلا: اتو، ارّه را با واحد قبضه می شمردند، گنجفه را با واحد دست و ورق می شمردند یا کارد را با واحد قبضه می شمردند و...

از این بخش آگاهی های اجتماعی ارزشمندی به دست می آید. و بخش قابل توجهی از این کتاب مربوط به دانش و فن بلاغت و اصطلاحات خاص آن است که در آنها اشعار فراوانی از شعرای مختلف از قدما و اندکی هم از معاصران نقل شده است.

کتاب مشتمل بر ابواب زیر است:

باب اول: در دستور معمول درگاه در باب احکام و مناشیر

باب دوم: در دستورالعمل شجره و احکام و ارقام و نشان و پروانه جات و امثال آن

باب سوم: در مهر های مبارک اشرف اقدس و دستورالعمل نواب کهبر احکام مختلف نقر می شوند

باب چهارم: در دستور مکاتب اشرف به مخدرات اقوام عالی و شرف کتابت به والده عظمی
باب پنجم: در کتابت متعارفه که ارباب دولت به یکدیگر نویسند
باب ششم: کتابت دوستانه که امیران عالی شان به یکدیگر نویسند
باب هفتم: در مکاتب سایرالناس که عارف به آداب نوشته جات هستند
باب هشتم: در اشعار مناسب که اکتفا می شود و احتیاج به مکاتبه نیست
باب نهم: در مفردات القاب و فقرات
باب دهم: در مصدرات اسایم
باب یازدهم: در مضافات القاییه ولایات و مضافات اعداد و اجناس
بخش دوم کتاب مشتمل بر ابواب زیر است:
باب اول: در صنایع اکثر خاصه شعر
باب دوم: در صناعاتی که در انشاء کثیرالنوع هستند
نویسنده در بخش دوم کتاب به توضیح صناعات ادبی پرکاربرد در انشاء و نامه نگاری پرداخته
است. از قبیل:
مراعات النظیر، حسن تخلص، ارسال المثل، جمع و تفریق، تجنیس، اشتقاق، سجع، تکرار، تنسیق
الصفات، سیاق الاعداد، استعاره، تشبیه، کنایه، صنایع خطی و...
این نسخه که متعلق به موزه و کتابخانه ملک و کتابخانه مجلس شورای اسلامی است با روش
تصحیح قیاسی تصحیح شده است.
پس از انجام تصحیح متن، آیات قرآنی، احادیث، امثال، اشعار فارسی و عربی، اعلام (اشخاص
، شهرها، قبایل و خاندان ها) و لغات و عبارات دشوار یادداشت برداری شد و پس از تفکیک و
تنظیم الفبایی به شرح هر مورد به طور جداگانه پرداخته شده است.

سبک شناسی کتاب

نویسندگان عهد صفوی، عموماً بر همان سیاقی قلم زده اند که نویسندگان عهد تیموری و بسیاری
از نگارندگان پس از مغول، بر آن خو کرده بودند؛ بدین معنا که بیشتر به نثر مکلف و مصنوع روی
آورده و ساده نویسی را دون شأن خود می دانستند. نویسندگان ایرانی پس از حمله مغول و تقریباً

از نیمه دوم قرن ششم، رفته رفته تحت تأثیر نفوذ فرهنگ عربی و بویژه شیوه مقامه نویسی که در میان نویسندگانی قاضی حمیدالدین بلخی در کتاب مقامات حمیدی و سعدی شیرازی در گلستان و رشیدالدین وطواط در منشآت وی و بهاءالدین منشی در التوسل الی الترسل و منتجب الدین جوینی در عتبۃ الکتبه، قبول عامیافته بود، از نثر مُرسَل و حتی نثر بینا بین دوری گزیدند و به نثر فنی گراییدند.

این گرایش در میان مترسلان و مُنشیان دربار شیبی تندتر داشت، تا آنجا که می توان گفت در میان نوشتههای مصنوع و مکلف، مکتوبات منشیانه و یا ترسَلات، خود جای ویژه ای دارند؛ یعنی از تکلفی دو چندان برخوردار بوده و فضل فروشی و قدرت نمایی های شاعرانه در آن بیشتر به چشم می خورد.

سبک نگارش کتاب مجموعه منشآت دوره صفویه متنوع است. در این کتاب سه شیوه ی ساده، بینابین و مصنوع دیده می شود. اما تکیه بیشتر بر مصنوع نویسی است که در بخش اول کتاب و سه باب اول بیشتر شاهد آن هستیم. اما بخش دوم کتاب به نسبت بخش های آغازین ساده تر تالیف شده است. کتاب از نظر شکل ظاهری بیشتر نثر است اما در بخش اول کتاب نویسنده گاهی به تفنن از نظم استفاده کرده و اشعاری نقل کرده است. بخش دوم کتاب بیشتر نظم است که نویسنده برای توضیح اصطلاحات ادبی و فنون بلاغت از اشعار به عنوان شاهد مثال استفاده کرده است.

از مهمترین مشخصات سبکی کتاب از نظر کمیّت و کیفیت استعمال صنایع لفظی و بدیعی در مکاتیب است که بالاترین حدّ اطناب را در بخش نخست کتاب شاهد هستیم که نویسنده برای ابراز هنر در فن نویسندگی به خصوص در نامه های رسمی و دیوانی هریک از ارکان مختلف مکتوب را به تناسب موضوع به شیوه ی اطناب و با تعبیر از معانی واحد با الفاظ و عبارات مختلف و استعارات و کنایات و دیگر صنایع لفظی و معنوی و گزینش و استعمال لغات نادر آراسته است. که در زیر به ذکر پاره ای از مختصات سبکی کتاب به صورت اجمالی اشاره می کنیم:

استفاده از آیات و احادیث

استفاده از عبارات عربی

و فور لغات ترکی و مغولی: یرغو «بازرسی» آغا «بزرگ»، سیورغال «هدیه»، قورچی «سرباز، اسلحه دار» جمع بستن با «ات» هم در کلمات عربی: محاریبات، علامات و هم در کلمات فارسی: سرحدات و هم در کلمات ترکی و مغولی: تیولاتی، بیلاقات مطابقه ی صفت و موصوف و تابع اضافات ترکیبات غلط از جمع بین فارسی و عربی القاب احترام آمیز که جنبه ی کلیشه ای دارند: سلیمان اقتدار، فریدون فر، شاه مردان، زبده المتبحرین...

جملات طولانی، بازی با کلمات، مخصوصا توجه به اشتقاق و قرینه پردازی از دیگر مختصات ویژه ی کتاب عناوین و نعوت هستند که در مکاتیب به شیوه ای مبالغه آمیز برای تفخیم و بزرگداشت مکتوب الیه قبل از لقب خاص او نوشته شده است و از حیث تعداد و کثرت استعمال به صورتی در آمده که نخستین رکن مکاتیب در سلطانیات و حتی اخوانیات به آنها اختصاص دارد. و هر قدر تمایز مرتب و مقام بین کاتب و مخاطب بیشتر بوده اگر مکتوب از «ادنی» به «اعلی» نوشته شده عناوین و نعوت بیشتری در آن به کار رفته است. عناوین و نعوت در این کتاب دو شیوه ی متفاوت دارند:

عناوین و نعوت مفرد: اجل، کبیر، اکمل، صدر، مظفری، منصور، اسفہسالاری...
عناوین و نعوت مرکب: که عبارتند از ترکیبات اضافی: ظہیر الاسلام، شمس الملوک، قدوه الامائل، فاتح الممالک والاقالیم والاقطار، سید الامرا فی العالم، المجاهد فی سبیل رب العالمین...
از دیگر مختصات سبکی مجموعه منشآت دوره ی صفویه ادعیه است. که مانند نعوت و عناوین ترکیباتی هستند که معمولا به زبان عربی و استثنائا به زبان فارسی استفاده شده اند و عبارتند از جمله هایی نظیر:

ادام الله تاییده، ادام الله فضلہ، اطال الله بقاوه، ایدالله ایام سلطنه و اید مملکنه، ضاعف الله جلاله، ادام الله برکنه...

جمل و ترکیباتی که در قسمت فوق ذکر شد نمونه هایی بود از نعوت و عناوین صاحبان مناصب و مشاغل مهم و ادعیه ای که از ترسلات مجموعه منشآت دوره صفویه استخراج شد.

نتیجه گیری

اصولا مجموعه های سندی اعم از منشآت، مکاتیب، فرمان ها، قباله ها و... از آن جهت که در زمره ی منابع دست اول و مدارک معتبراند، در قیاس با منابع رسمی تاریخی که عمدتا مورخان تحت محظورات و ملاحظات خاص مبادرت به تالیف و تدوین آنها کرده اند حاوی نکات مهمی هستند که پرتو روشنی بر گذشته می افکنند.

در نامه ها و منشآت از هر نوع که باشند چون روی سخن نویسندگان آنها با اشخاص، گروه ها و طبقات مختلف اجتماعی است مضمون و محتوای هر یک از نامه ها بنا به مخاطب آنها تفاوت می کند. لذا در این قبیل نامه ها مجموعه آگاهی های مهم از انواع مختلف می توان یافت که بسیار درخور اهمیت است. همچنین گذشته از اهمیت کلامی و صرف ادبی ترسالات و منشآت آنچه مسلم است همگی این مکاتیب آینه ی روشن و تمام نمای اوضاع سیاسی و اجتماعی فرهنگی و تاریخی عصر نگارش خود است ؛ و از آنجا که اغلب مترسلان همواره در سفر و حضر ملازم رکاب سلاطین بوده اند، از نزدیک در جریان حوادث و اتفاقات مهم قرار می گرفتند. بنابراین رسالت ایشان سرشار از اطلاعات تاریخی، سیاسی و ادبی است و در این زمینه مورخان و پژوهشگران را یاری می دهند. همچنین بسیاری از نامه ها و مکاتیب دوستانه (اخوانیات) در بیشتر موارد روشن کننده ی وضعیت زندگانی نویسندگان و گاه دریافت کنندگان نامه هاست. لذا این گونه نامه ها برای تدوین تاریخ زندگی، رجال و شرح حال نگاری بسیار سودمند است. به ویژه آنکه در اخوانیات نویسنده هر آنچه می خواهد می اندیشد و بدون ملاحظه و احتیاط می نویسد و بیشتر از مسایل خصوصی فیما بین سخن میگوید.

منابع و مآخذ

- ۱- افشار، ایرج، (۱۳۳۱ بهمن)، شرف نامه، انشای مروارید، مهر، سال ۸، شماره ۱۱
- ۲- بوسه، هریرت، (۱۳۶۷)، پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی، (بر مبنای اسناد دوران آق قویونلو و قراقویونلو و صفوی) ترجمه غلامرضا ورهام، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، تهران
- ۳- بهار، محمد تقی (ملک الشعرا)، (۱۳۵۹)، سبک شناسی، امیرکبیر، تهران
- ۴- ابوالفضل بیهقی (۱۳۲۴)، تاریخ بیهقی، غنی، فیاض، رنگین
- ۵- جعفری، محسن، (۲ خرداد-تیر، ۱۳۷۷)، "گذری بر کتاب مراسلات در باب آسیای مرکزی"، آیین پژوهش، سال ۹، ش
- ۶- خطیبی، حسین، (۱۳۸۶)، فن نثر، زوار
- ۷- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۶)، سبک شناسی نثر، تهران، میترا
- ۸- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، (۱۳۹۱)، تلخیص محمد ترابی، ج ۲، فردوس
- ۹- قائم مقامی، جهانگیر، (۱۳۵۰)، مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی، انجمن آثار ملی، تهران
- ۱۰- لغت نامه دهخدا، ذیل واژه منشآت، لوح فشرده، نسخه جدید ۱۶ ج
- ۱۲- منزوی، احمد، (۱۳۶۵)، فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، مجلد پنجم، نامه نگاری

